

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
الَّذِينَ آمَنُوا وَأَعَدَّ
لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا
وَالَّذِينَ كَفَرُوا
أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
كَثِيرًا وَالَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ سَنَجْتَبِيهِمْ
وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ
الَّتِي فِيهَا كَانُوا إِلَى
النُّورِ ۚ تِلْكَ
أَجْرُ الَّذِينَ
كَانُوا يَتَّقُونَ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده حکمت معاصر
گروه فلسفه دین

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین، گرایش فلسفه دین

عنوان:

مسئله شر از دیدگاه الهیات پویشی (دیوید گریفین)

استاد راهنما
دکتر اعظم قاسمی

استاد مشاور
دکتر مالک شجاعی جشوقانی

پژوهشگر :
هاجر دربندی داریان

شهریور ماه ۱۳۹۶

تصویر برکہ ارزیابی

سپاسگزاری

با سپاس از

استادهای ارجمند؛ خانمها دکتر اعظم قاسم و دکتر اعظم پویا زاده، آقایان: دکتر علیرکبر عبدل آبادی،
دکتر هدایت علوی تبار و دکتر مالک شجاعر شوقان که از راهنمایی‌های ارزشمندشان
در مسیر پژوهش، بسزای بهره‌بردم.

آقایان حمیدرضا رادفر، حسن‌محمد ابرو و خانم نازنینه جوادهری که
در یافتن منابع کمیاب و سخت‌یاب اینم تحقیق مرایاری نمودند
آقای میلاد رحیمی و خانم فاطمه قلنج‌ناز که در ترجمه کتابها کمک کردند
و همسر مهربانم آقای قاسم فهیم و خانواده خوبم که در این مسیر دگر مراج بودند و صبوری پیشه نمودند

تقدیم بہ:

آتما کہ با عشق بہ خیر مر پیوند و در غایت الہم مر مابند

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی خداباوران، وجود تناقض منطقی میان باور همزمان به اوصاف خیرخواهی، علم و قدرت مطلق خدا با وجود شرور در جهان است. الهی‌دانان در مواجهه با این چالش، که آن را مسئله شر می‌نامند، به ارائه دفاعیه و صورت‌بندی تئودیسه‌هایی پرداخته‌اند. الهیات پویشی نیز به عنوان یکی از نظام‌های الهیاتی پست‌مدرن، در پاسخ‌گویی به این مسئله، در چارچوب جهان بینی خاص خود، تئودیسه‌ای ارائه داده که مورد استقبال بسیاری از خداباوران معاصر قرار گرفته و در عین حال، نقدهای بسیاری را به خود جلب نموده است. این پژوهش، با رویکرد توصیفی و تحلیلی‌اش، به پاسخ تئودیسه پویشی دیوید گریفین، به عنوان یکی از وارثان فلسفه پویشی وایتهد می‌پردازد. از آنجا که گریفین به خیریت کامل خدا معتقد است و برای سازگاری درونی، مقبولیت و کفایت تجربی الهیات فلسفی نیز اهمیت زیادی قائل است، تلاش‌هایی را که تاکنون برای حل تناقض میان وجود خدای خیر محض و رخ دادن شرور گزارف انجام شده، چندان مثمر ثمر نمی‌داند و پس از بررسی پاسخ‌های الهیات سنتی به مسئله شر، آنها را قانع کننده نمی‌یابد. او با تبعیت از اصول جهان‌بینی پویشی وایتهد، تنها شیوه ممکن برای حل مسئله شر را اصلاح اصل سنتی در باب قدرت خدا می‌یابد و این اصلاح را قلب تئودیسه پویشی خود قرار می‌دهد. در تفکر پویشی تنها قدرتی که خداوند دارد قدرت ترغیبی است، نه جبارانه. یعنی تمام موجودات، به عنوان هستی‌های بالفعل، دارای قدرت خودتعیین‌بخشی‌اند و خداوند نمی‌تواند اراده خویش را بر سایر هستی‌ها تحمیل کند. گریفین می‌گوید قدرت ترغیبی خدا مفهوم بنیادینی در الهیات پویشی است که موجب می‌شود خداوند در رخ دادن شرور، تاحدی مسئول باشد که وی را مستوجب سرزنش ندانیم. دیوید گریفین، پس از صورت‌بندی و ارائه تئودیسه خود، نقدهای مفصلی را دریافت کرد که بیشتر از جانب فیلسوفان مشهوری بودند که خودشان رساله‌های مهمی درباب مسئله شر نوشته‌اند. مهمترین و رایج ترین نقدی که متوجه دیدگاه پویشی است، نقدی است که شایستگی پرستش خدای پویشی را زیر سوال می‌برد. در این پژوهش، علاوه بر بیان علل ناکارآمدی الهیات سنتی در پاسخ‌گویی به مسئله شر، از دیدگاه گریفین، به تبیین و تحلیل پاسخ جایگزینی که وی پیشنهاد می‌کند پرداخته شده و در نهایت برخی از مهم‌ترین نقدها و پاسخ گریفین به آنها مطرح گردیده است.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	پیشگفتار
۵	فصل اول: کلیات
۶	۱-۱. مقدمه
۸	۲-۱. کلید واژه‌ها
۸	۱-۲-۱. علیت
۹	۲-۲-۱. واقعی/عینی بودن جهان
۹	۳-۲-۱. اختیار انسان
۱۰	۴-۲-۱. مسئله شر
۱۰	۵-۲-۱. دفاعیه
۱۱	۶-۲-۱. تئودیه
۱۱	۷-۲-۱. قدرت مطلق خدا
۱۲	۱-۷-۲-۱. قدرت مطلق I
۱۳	۲-۷-۲-۱. قدرت مطلق C
۱۳	۸-۲-۱. علم مطلق خدا
۱۴	۹-۲-۱. خیر خواهی محض خدا
۱۴	۱۰-۲-۱. آلفرد نورث وایتهد
۱۵	۱۱-۲-۱. دیوید گریفین
۱۶	۳-۱. فلسفه پویشی
۱۷	۱-۳-۱. کیهان‌شناسی پویشی وایتهد
۱۹	۲-۳-۱. طبیعت‌گرایی
۲۰	۳-۳-۱. عدم کفایت طبیعت‌گرایی مادی‌گرایانه
۲۰	۱-۳-۳-۱. مسئله ذهن - بدن
۲۱	۲-۳-۳-۱. دانش ما درباره موضوعات غیر فیزیکی
۲۳	۴-۳-۱. طبیعت‌گرایی خداپاورانه وایتهد
۲۳	۵-۳-۱. همه تجربه‌گرایی با دوگانگی سازمانی
۲۴	۶-۳-۱. همه‌درخدایی
۲۵	۷-۳-۱. ادراک دریافتی
۲۶	۸-۳-۱. نقش خدا
۲۷	۹-۳-۱. خدا، خلقت، و تکامل

فصل دوم: مسئله شر و اشکالات وارد بر پاسخ الهیات سنتی به مسئله شر ۳۰

- ۱-۲. مسئله شر ۳۱
- ۲-۲. پاسخ‌هایی که به مسئله شر داده شده ۳۵
- ۱-۲-۲. فراطبیعت‌گرایان (آموزه سنتی قدرت مطلق) ۳۵
- ۲-۲-۲. ملحدان (مدرنیته متاخر) ۳۶
- ۳-۲-۲. پراگماتیست‌ها ۳۶
- ۳-۲. الهیات سنتی (تصور ماورای طبیعی از خدا) ۳۷
- ۱-۳-۲. اشکالات فراطبیعت‌گرایی ۳۷
- ۴-۲. خداباوری جبرگرایانه سنتی ۴۰
- ۱-۴-۲. رد پاسخ جبرگرایانه سنتی ۴۲
- ۵-۲. خداباوری اختیارگرایانه سنتی ۴۳
- ۱-۵-۲. رد پاسخ اختیارگرایانه سنتی ۴۳

فصل سوم: تئودیسۀ پویشی دیوید گریفین ۴۸

- ۱-۳. تئودیسۀ پویشی ۴۹
- ۲-۳. مبانی تئودیسۀ پویشی ۵۱
- ۱-۲-۳. همه تجربه‌گرایی و ادراک کامل ۵۱
- ۲-۲-۳. نظریۀ خلق از توده بی‌نظم ازلی / ماده آشوب‌ناک ۵۲
- ۳-۲-۳. خلاقیت ۵۵
- ۴-۲-۳. همبستگی قدرت و ارزش (متغیرهای وابسته) ۵۹
- ۵-۲-۳. همه‌درخداانگاری پویشی ۶۳
- ۶-۲-۳. ارائه تعریف جدید از قدرت مطلق ۶۷
- ۷-۲-۳. آموزۀ جاودانگی عینی در خدا ۶۹
- ۳-۳. پیامدهای اخلاقی نگرش پویشی برای انسان‌ها ۷۲

فصل چهارم: نقدهای وارد شده به تئودیسۀ پویشی و پاسخ‌های گریفین ۷۴

- ۱-۴. نقد جان هیک: نخبه‌گرایی الهیات پویشی ۷۵
- ۱-۱-۴. پاسخ گریفین به نقد هیک ۷۷
- ۲-۴. نقد فیلیپ هفتر: یگانه‌انگاری ۸۲
- ۱-۲-۴. نقدهای درونی هفتر (و پاسخ‌ها) ۸۲
- ۲-۲-۴. نقدهای خارجی هفتر (و پاسخ‌ها) ۸۵
- ۳-۴. نقد شایستگی پرستش ۸۷
- ۱-۳-۴. شرطی شدن فرهنگی - روانشناختی ۸۸
- ۲-۳-۴. انگیزه‌های جدلی ۹۱

- ۳-۳-۴. مغالطه قدرت مطلق..... ۹۱
- ۴-۴. نقد ویلیام هاسکر: عدم کفایت خدای پویشی..... ۹۵
- ۴-۴-۱. ایمان به خلقت از عدم..... ۹۵
- ۴-۴-۲. ایمان به معجزات..... ۹۶
- ۴-۴-۳. ایمان به آشکارگی (وحی)..... ۹۷
- ۴-۴-۴. ایمان به کمال الهی..... ۹۷

فصل پنجم: جمع بندی و استنتاج..... ۹۹

- منابع و مأخذ..... ۱۰۳
- منابع فارسی..... ۱۰۳
- منابع لاتین..... ۱۰۴
- منابع اینترنتی..... ۱۰۴
- چکیده انگلیسی..... ۱۰۵

پیشگفتار

طرح مسئله

یکی از چالش‌های جدی پیش‌روی خداپاوران، ناسازگاری میان قدرت و علم و خیرخواهی مطلق خدا از یک سو و وجود انواع مختلف شر، اعم از طبیعی و اخلاقی در عالم از سوی دیگر است. این چالش به لحاظ تاریخی در سنت شرقی پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد و در سنت غربی نیز پر دامنه است. باور به اهورامزدا به عنوان خالق خوبی‌ها و اهریمن به عنوان خالق بدی‌ها در آیین زرتشت، در جهت پاسخگویی به این چالش و در جهت حفظ خیرخواهی محض خدا بوده است. در سنت کلامی اسلامی نیز معتزله برای حفظ خیرخواهی خدا و این که خداوند مرتکب قبیح نمی‌شود، قائل به تفویض شده‌اند و به نوعی برای انسان استقلال قائل شده‌اند که از نظر اشاعره این دیدگاه به شرک می‌انجامد. از سوی دیگر اشاعره به جهت اعتقاد به قدرت مطلقه و نامحدود خداوند قائل به الهی و شرعی بودن حسن و قبح شده‌اند و از اساس، تشخیص عقل را در خصوص حسن و قبح اعمال زیر سؤال برده‌اند تا به گمان خود مشکل شر یا قبیح را حل کنند؛ به گونه‌ای که خیرخواهی مطلق خداوند را زیر سؤال نبرد. در سنت غربی نیز در پاسخ به این چالش راه حل‌های مختلفی ارائه شده است. برخی از الهی‌دانان با نفی یکی از اوصاف مذکور خدا یا انکار وجود واقعی شر به این مسئله پاسخ داده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر معتقدند که همه این موارد با یکدیگر قابل جمع هستند

برخی از خداپاوران برای پاسخگویی به مسئله شر تبیین‌های موجه یا معتبری از شرور، مبتنی بر بصیرت‌های خداپاورانه تحت عنوان نظریه عدل الهی یا تئودیسه ارائه کرده‌اند. تئودیسه، تلاش برای توجیه اعمال خداوند در پرتو شرور جهان است، به نحوی که عدالتش زیر سؤال نرود.

پژوهش درباره مسئله شر، که یکی از مهمترین مسائل فلسفه دین است، مستلزم پرداختن به راه حلی است که الهیات پویشی، بعنوان یکی از مهمترین پاسخها، برای حل آن ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر، با عنوان «مسئله ی شر از دیدگاه الهیات پویشی (دیویدگریفین)»، به این پاسخ مهم می‌پردازد و هدف پژوهشی آن، آشنایی با راه حل پیشنهادی دیوید گریفین، به عنوان یکی از مهمترین الهی‌دانان پویشی، در پاسخ به مسئله شر است.

رویکرد الهیات پویشی، مبتنی بر آرای دیوید گریفین، برای پاسخ‌گویی به مسئله شر از این‌رو انتخاب شده است که:

۱. از نظر فیلسوفان و الهی‌دانان بسیاری چون جان هیک و ایان باربور، پاسخ نظریه عدل الهی پویشی به مسئله شر در کنار پاسخ آگوستینی و ایرنائوسی یکی از سه پاسخ اصلی مسیحی است و همین مسئله موجب شهرت موضع فلسفه دین پویشی شده است.
۲. الهیات پویشی مبتنی بر فلسفه پویشی است که در دهه ۱۹۲۰، وایتهد، فیلسوف بریتانیایی، آن را پایه‌گذاری کرد. فیلسوفان پویشی نظریه جوهر و عرض را بازمانده منسوخ متافیزیکی سنتی می‌دانند که باید به نفع نظریه ای پویا کنار گذاشته شود. براین اساس، همه چیز در جریان است؛ پس، خدا

- هم که یکی از همه چیزهاست باید در جریان و در حال رشد باشد. این رشد به سبب ارتباط تنگاتنگ خدا با جهان در حال تغییر حاصل می‌شود. میان خدا و عالم رابطه‌ای دو طرفه برقرار است. خدا با هر موجودی در ارتباط است و میان او و آن موجود تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.
۳. دیوید گریفین، در تبیین یک مابعدالطبیعی پویشی تمرکز ویژه‌ای بر دو موضوع مهم فلسفه دین دارد؛ **رابطه میان علم و دین و مسئله شر**؛ زیرا پرداختن به این دو مسئله را برای حفظ خدا باوری مسیحی ضروری می‌داند.
۴. وی تبیین منسجمی را در خصوص سازگاری وجود خدا و وجود شر ارائه کرده است. او به تبعیت از وایتهد معتقد است که خدا نمی‌تواند در عالم به صورت یک طرفه تأثیر بگذارد یا در آن یک طرفه مداخله کند؛ پس، خدا از وقوع شرور ناراضی است ولی نمی‌تواند مانعشان شود. به این ترتیب، خدا عامل وقوع شرور در جهان نیست. چون در حالی که ما را به سوی بهترین انتخاب سوق می‌دهد، نمی‌تواند به طور یک طرفه عمل کند. پس خیر بودنش به قوت خودش باقی است.

سؤال‌های پژوهش

اصلی:

۱. گریفین در چارچوب الهیات پویشی، چه راه حلی به مسئله شر می‌دهد؟

فرعی

۱. اشکالات وارد بر الهیات سنتی کدامند؟
۲. مبانی و چارچوب تئودیسۀ پویشی چه راه کاری برای حل مسئله شر ارائه می‌دهد؟
۳. چه نقدهایی بر تئودیسۀ پویشی وارد شده است؟
- سؤالاتی که در زمان طرح پروپوزال مطرح شد، به صلاح دید استاد، در روند کار، با سؤالات بالا جایگزین شد.
- از آنجا که این پژوهش اکتشافی و توصیفی است، فرضیه‌ای ندارد.

پیشینه

براساس بررسی کتاب شناختی از طریق سایت ایران داک، کتاب‌خانه ملی، و مقالات نورمگز و از این قبیل، مشخص شد که در دهه ۸۰، و بعد از آن، تعداد بسیار اندکی کتاب و مقاله و پایان نامه درباره فلسفه پویشی وایتهد، به زبان فارسی، در ایران نوشته یا ترجمه و منتشر شده اند؛ اما آثاری که به طور مستقیم به الهیات پویشی و به طور خاص، به تئودیسۀ پویشی دیوید گریفین پرداخته باشند حتی کمتر از تعداد انگشتان دست هستند. برخی از مهمترین آن‌ها را در اینجا ذکر می‌کنم:

به نظر می‌رسد اولین اثر، کتابی با عنوان *خدا و دین در جهان پسامدرن*، ترجمۀ حمیدرضا آیت‌اللهی است.^۱ فصل‌های این کتاب، ارتباط موضوعی زیادی با هم ندارند زیرا کتاب، حاوی مجموعه‌ای از برخی مقالات

^۱ تمامی کتابها و مقالات مذکور در این بخش، در بخش منابع و مأخذ بطور کامل معرفی شده‌اند.

گریفین در باب موضوعات مختلف از منظر الهیات پویشی می‌باشد؛ درعین حال، مطالعه آن می‌تواند مخاطب را با برخی از مهمترین مبانی دیدگاه پویشی آشنا سازد. حدوداً در همین حین، از سعیده سیاری و احد فرامرز قراملکی، مقاله انتقادی بسیار روان و مفیدی با عنوان *خطای تحویلی نگری در دیدگاه الهیات پویشی* چاپ شد. به نظر می‌رسد انتقاداتی که در این مقاله به دیدگاه پویشی وارد آمده با نگاه درون دینی و در مقایسه با تعالیم اسلامی باشد و در زمینه مسیحیت وارد نیستند. یک مقاله نیز اخیراً توسط رستم شامحمدی و علی سنایی با عنوان *بررسی و تحلیل نظریه عدل الهی پویشی گریفین* منتشر شده که دقیقاً به موضوع مورد بحث در این پایان نامه پرداخته؛ هرچند که بنظر می‌رسد پژوهش حاضر، در موارد بسیاری، از جمله هدف پژوهش، با آن مقاله قابل قیاس نباشد. رستم شامحمدی کتاب دیگری نیز با عنوان *درآمدی بر فلسفه و الهیات پویشی* از گردآوری ترجمه‌ها و تألیفات چند مقاله در باب دیدگاه پویشی تهیه و منتشر نموده است که برای مطالعه بیشتر توصیه می‌شود.

زمانی که طرحنامه پژوهش حاضر نوشته و تصویب شد، دو اثر اول، تنها منابع فارسی اصلی در دسترس بودند که دقیقاً به الهیات پویشی گریفین پرداخته‌اند و دو اثر اخیر، پس از آماده شدن بخش اعظم پایان نامه بدست آمد؛ با این حال، تاجای ممکن از مطالب جدید و مفید آن‌ها در این پژوهش استفاده شده است. علاوه بر کم بودن تعداد آثار فارسی در این زمینه، محتوای آن‌ها نیز بسیار ناکافی می‌نمودند و خلاء پرداختن جزئی به مواردی چون علل ناکارآمدی الهیاتهای سنتی در پاسخ‌گویی به مسئله شر و نقدهای گریفین به آن‌ها و نقدهای سایر فیلسوفان به الهیات پویشی و پاسخهای گریفین به آن‌ها، بوضوح به چشم می‌خورد. نویسنده این پژوهش، تلاش نموده که بخشی از این خلأ را پر کند.

پس از مشخص شدن موضوع و عنوان پژوهش، طی مکاتبه‌ای با خود دیوید گریفین، و طرح مسئله با ایشان، حدود ۱۲ کتاب و مقاله انگلیسی در راستای نیاز این پژوهش، از جانب خود فیلسوف مذکور معرفی شد. بجز یکی از آن‌ها، بقیه تقریباً نایاب بودند و بناچار، از طریق مسافران از اقوام و آشنایان که از اروپا می‌آمدند، ۵ کتاب تهیه شد و اکنون در کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی موجودند. این ۶ کتاب انگلیسی منابع اصلی کار قرار گرفتند و از سایر منابع نیز تاجای ممکن کمک گرفته شد.

روش پژوهش

پژوهشی که اکنون پیش‌روی ما قرار دارد نیز، مانند اغلب پژوهش‌هایی که در قالب پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین انجام می‌پذیرند، در تلاش است تا در دو ساحت توصیفی و تحلیلی، به بررسی و تدقیق پیرامون آراء فلسفی و الهیاتی دیوید گریفین، حول برداشت‌های او در رابطه با مسئله شر، بپردازد. دلیل انتخاب این روش این است که تبیین و تحلیل کاملی از این دیدگاه به زبان فارسی وجود ندارد و بهره‌گیری از روش‌های دیگر بر تبیین این دیدگاه مبتنی است.

در ساحت توصیفی، تلاش می‌شود تا از طریق بررسی چندین اثر دیوید گریفین، از مضامین فلسفی و الهیاتی آن در جهت حل مسئله شر استفاده شود و هم‌چنین با بهره‌گیری از شماری از شرح‌ها و گزارشاتی که دیگر پژوهش‌گران از آثار او ارائه نموده‌اند، به استخراج و بیان کلیت نظام فلسفی پویشی گریفین، ارائه خلاصه‌ای از اهم دیدگاه‌های الهیاتی وی، به ویژه بحث از مسئله شر در نظام فکری او، بیان نقدهایی که به این دیدگاه وارد شده و در نهایت بررسی پاسخ‌هایی که از جانب او در واکنش به نقدها اقامه شده، پرداخته شود.

در ساحت دوم تلاش می‌شود تا به پشتوانه داده‌های جمع‌آوری شده در ساحت اول و همچنین بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون تحلیل کیفی داده‌ها به نقد و بررسی جوانب مختلف پاسخ‌گرفین به مسئله شر، نحوه دفاع او از دیدگاهش در مقابل انتقادات گوناگون پرداخته شود.

این پژوهش، به واسطه ماهیت توصیفی و تحلیلی‌اش به لحاظ روش و ابزار گردآوری اطلاعات، با محدودیت‌ها فراوانی، مواجه است. به همین واسطه عمده داده‌های مورد نیاز برای پیش‌برد آن به دو شیوه رایج در مطالعات کتاب‌خانه‌ای؛ یعنی فیش‌برداری از منابع فارسی و ترجمه متون و منابعی که به زبان فارسی برگردانده نشده، جمع‌آوری شده است.

محتوای فصول

فصل اول شامل کلیات پایان‌نامه، اعم از پیشینه موضوع و تعریف کلید واژه‌هایی چون علیت، جهان عینی، مسئله شر، تئودیه، دفاعیه، قدرت مطلق خدا، علم مطلق خدا و خیر خواهی محض خدا و معرفی بنیان‌گذاران این تفکر، یعنی آلفرد نورث وایتهد، و چارلز هارتسهورن، و الهی‌دان و فیلسوف معاصر، دیوید گریفین است. از آنجا که فهم تئودیه پویشی مستلزم فهم مبانی و لوازم فلسفه پویشی است، در این فصل، نویسنده کوشیده تا به شرح فلسفه و کیهان‌شناسی پویشی وایتهد بپردازد.

فصل دوم، به مسئله شر و بررسی پاسخهای اصلی آن از نظر گریفین اختصاص دارد؛ نویسنده پس از توضیح مختصری در باب مسئله شر و اقامه برهان شر، پاسخ الهی‌دانان سنتی، ملحدان و پراگماتیست‌ها را به این مسئله، از نظر گریفین شرح داده و سپس دلایل گریفین مبنی بر عدم کارآمدی این پاسخ‌ها را بیان نموده است. سپس نویسنده، دو شاخه مهم الهیات سنتی، یعنی ماوراءالطبیعه‌گرایی جبرگرایانه و اختیارگرایانه را به‌طور جداگانه معرفی کرده و به اشکالات وارد بر پاسخ آن‌ها به‌طور مفصل‌تری می‌پردازد.

فصل سوم به معرفی مفصل مبانی و چارچوب و نتایج عملی-اخلاقی تئودیه پویشی اختصاص دارد. همه تجربه‌گرایی و ادراک کامل، تصدیق نظریه خلق از بی‌نظمی، توصیف جدیدی از رابطه خدا و جهان، اصول همبستگی قدرت و ارزش، خلاقیت، تعریف جدید و خاصی از قدرت خدا و اصل جاودانگی عینی در خدا، مبانی این تئودیه را تشکیل می‌دهند.

در فصل چهارم، منتخبی از نقدهای وارد شده از جانب برخی از فیلسوفان مشهور به پاسخ الهیات پویشی، از جمله نقد جان هیک، مبنی بر نخبه‌گرا بودن الهیات پویشی، نقد فیلیپ هفتر مبنی بر عدم التزام این الهیات به یگانه‌انگاری مسیحی، شایسته پرستش ندانستن خدای پویشی، از جانب تعداد کثیری از فیلسوفان و الهی‌دانان، و نقد ویلیام هاسکر مبنی بر عدم کفایت خدای این الهیات و ضعف آن در برآوردن لوازم ایمان مسیحی مطرح شده، و پاسخهایی که گریفین به آن‌ها داده، بررسی می‌شود.

در فصل پنجم نیز به‌طور اجمالی نشان داده شده که دست‌آورد پژوهش با توجه به محتوای فصول قبل، چیست؛ ادعای گریفین در پاسخگویی به مسئله شر چه بوده و چگونه تلاش کرده تا ادعای خود را طی استنتاج از راه بهترین تبیین ارائه دهد؛ یعنی فصل پنجم شامل جمع‌بندی کل مطالب این پژوهش و خلاصه‌ای از نتایج آن است. فهرست منابع و مأخذ نیز در آخر همین فصل آمده است.

فصل اول:

کلیات

۱-۱. مقدمه

الهیات پویشی یکی از نظام‌های الهیاتی است که در دوران پست‌مدرن رواج یافت. این نوع الهیات می‌کوشد که معنویت از دست رفته در دوران مدرن را احیاء نماید. در این نظام، شماری از متألهان مسیحی، فلسفه پویشی متافیزیکی آلفرد نورث وایتهد (۱۸۶۱م) را به عنوان چارچوب مابعدالطبیعی خود اختیار کرده‌اند و برخلاف سایر مکاتب فلسفی، درباره تفسیر ذات خدا، معتقد به اندیشه صیروت و حرکت تدریجی به سوی کمال می‌باشند. مفهوم اصلی الهیات پویشی مبتنی بر فلسفه پویشی وایتهد توسط چارلز هارتسهورن، شاگرد وی پایه گذاری شد و بعداً به وسیله دیوید ری گریفین تفصیل یافت. او با بهره‌گیری از مبانی اساسی جهان‌شناسی پویشی وایتهد، تعریف جدیدی از قدرت مطلق خداوند ارائه می‌دهد و تصویر خاص و متفاوتی از خدا و خلقت جهان و اوصاف خاص خالق، بویژه صفت کمال عرضه می‌کند. این نوع الهیات روزنه امید برای کسانی که از پوچی و بی‌معنایی ناشی از الحاد زندگی مدرن به تنگ آمده‌اند، فراهم می‌کند؛ البته مقاومت بنیادگرایان مسیحی، از موانع توسعه آن است. (سیاری، قراملکی، ۱۳۸۹: ۳۱)

کتاب *خدا، قدرت و شر: تئودیسۀ پویشی*^۱، نوشته دیوید ری گریفین^۲، برای اولین بار، در سال ۱۹۷۶ چاپ شد. در این کتاب، گریفین سعی کرد تا با استفاده از مبانی فلسفه پویشی آلفرد نورث وایتهد^۳ و چارلز هارتسهورن^۴، تئودیسۀ^۵ مناسبی ارائه بدهد. در بدو امر، به راه حلی که الهیات پویشی^۶ پویشی^۶ برای مواجهه با مسئله شر ارائه داده بود، التفات چندانی نشد. اما اندکی بعد، بحث از الهیات پویشی به نحو چشمگیری افزایش یافت. وی پس از انتشار آن کتاب، نقدهای مفصلی را دریافت کرد که بیشتر از جانب فیلسوفان مشهوری بودند که خودشان رساله‌های مهمی در باب مسئله شر نوشته‌اند.

^۱ GOD, Power and evil: A Process thiodicy

^۲ David Ray Griffin

^۳ Alfred North, Withead

^۴ Charles Hartshorn

^۵ Theodicy

^۶ Process theology

او در سال ۱۹۹۱، کتاب دیگری با عنوان *بازنگری در شر، پاسخها و تجدید نظرها*^۱ منتشر کرد. عمده مطالب این کتاب، شامل پاسخهایی به انتقادهای گوناگون و ردیه‌هایی است که آن‌ها نوشته‌اند. گریفین، بازنگری‌هایی نیز در این کتاب انجام داده که بر دو نوعند: نکاتی که برای صورت‌بندی مجدد برخی مفاهیم کتاب قبلی لازم دانسته، و نکاتی که در مورد آن‌ها تغییر عقیده داده است. صورت‌بندی‌های جدید در جای جای این کتاب، به ویژه در فصل‌های ۳، ۶ و ۷، به‌طور پراکنده مشاهده می‌شود، این صورت‌بندی‌ها در واکنش به انتقادات مفید ارائه شده‌اند. مراد اصلی او از نوشتن این کتاب دوم، تکمیل و تصحیح کتاب قبلی و تغییر مهمی در آن می‌باشد؛ یعنی اعطای یک «فرجام‌شناسی»^۲ مناسب به الهیات پویشی که آن را قانع کننده سازد. توسعه یک فرجام‌شناسی مفید در نسخه پست‌مدرن^۳ الهیات پویشی یکی از موارد مهم تاکید او است. چون معتقد است اگر مفروضات مدرن الهی‌دانان لیبرال^۴ را از مواضع آغازین پست‌مدرن حذف کنیم، روش لیبرال به نتایجی می‌انجامد که زمینه‌هایی رئالیستی^۵ برای امید فراهم می‌کند. بی‌آنکه نیاز به حفظ باور به مداخلات ماوراء طبیعی باشد. (Griffin, 1991: 1)

اصطلاح «پست‌مدرن»، بر روی کردهای متنوع و پیچیده‌ای دلالت دارد که لزوماً بر تعریف مورد نظر گریفین از این اصطلاح، تطبیق نمی‌کنند. معمولاً این اصطلاح اشاره به رویکردی نسبی‌انگار و ساختارشکن دارد. به این معنا که متفکران پست‌مدرن، هیچ معیار عام قابل قبولی درباره حقیقت ارائه نمی‌دهند و بنابراین، بنظرشان دوران تلاش برای ساختن یک جهان‌بینی خودبسنده و باکفایت‌تر از جهان‌بینی‌های پیشین به سرآمده است. پست‌مدرنیته نسبی‌انگار تاکید دارد که هیچ «واقعیت تجربی»^۶ی وجود ندارد که همگانی باشد و برای همه افراد مشترک باشد و بتوان آن را به عنوان معیاری طبیعی در ارزیابی خودبسنده‌گی جهان‌بینی‌های بدیل بکار برد. بلکه تمام واقعیات، ساختاری اجتماعی یا شخصی دارند. اما گریفین نیز مانند وایتهد، به وجود واقعیات عامی معتقد است که این مفاهیم، حتی اگر نهایتاً در تجربه حاضر نباشند و یا لفظاً انکار شوند، در عمل مفروض هستند. مثل **علیت**^۷ یا **اختیار**^۸ یا **جهان واقعی**^۹؛ برخلاف مفاهیم مقید به فرهنگ و زمان و مکان خاص، مثل تصور مسطح بودن زمین که دیگر معتبر نیستند و یا برای همه انسان‌ها عمومیت ندارند و می‌توان بدون ناسازگاری، آن‌ها را رد کرد.

یکی از این مفاهیم مشترک عام و ثابت، واقعیت شر حقیقی/اصیل^۹ است که وقتی از منظری جامع به آن بنگریم، شر بودنش را حفظ می‌کند و در عمل همه افراد، حتی آن‌ها که در مقام سخن آن را انکار می‌کنند مفروض است. لازمه باور به شرح حقیقی آن است که عقیده داشته باشیم برخی روی داده‌ها نباید رخ

¹ Evil Revisited : Responses and Reconsiderations

² Eschatology

³ Post Modern

⁴ Liberal

⁵ Realistic

⁶ Causality

⁷ Freedom

⁸ Real World

⁹ Genuine Evil

دهند و جهان می‌توانست بدون آن‌ها بهتر باشد. پس هیچ تئودیسۀ خاصی که واقعیت شرح‌حقیقی را رد کند نمی‌تواند برای واقعیات تجربی کفایت داشته باشد. از آنجا که گریفین به خیریت کامل خدا معتقد است و برای سازگاری درونی هم اهمیت قائل است، تنها شیوهٔ ممکن برای حل مسئلهٔ شر را اصلاح اصل سنتی در باب قدرت خدا^۱ می‌یابد و این اصلاح را قلب تئودیسۀ پویشی قرار می‌دهد. (Griffin, 1991: 2-3)

وی استدلال کرده که خدا باوری پویشی می‌تواند راه حلی رضایت بخش برای مسئلهٔ شر به ما ارائه دهد. راه حلی که در کتاب اخیر بدان پرداخته، همان دیدگاهی است که در کتاب اولش، خدا، قدرت و شر ارائه داده؛ با این تفاوت که در این کتاب اخیر، به صورت‌بندی دقیق‌تری از چند اندیشه، پرکردن جاهای خالی چند پیش فرض و ایجاد چند اصلاح، بویژه در زمینهٔ معنا و امید غایی، پرداخته است. منظور وی از رضایت بخش بودن چنین راه حلی، رضایت فلسفی و الهیاتی است؛ از نظر او این راه حل می‌تواند خودسازگار بوده، و برای واقعیات‌های تجربه شده روشن‌گر باشد، و برای ایدهٔ کلی خدا در سنت مسیحیت کافی باشد و دربارهٔ ایده‌های متمایز مسیحی درباب قدرت الهی گویا باشد. وی در نتیجه‌گیری این کتاب، رضایت بخش بودن کامل این تئودیسۀ را از نظر دیگر ابعاد روانی بیان کرده؛ وی معتقد است رضایت بخشی آن در نهایت به اینکه ما چه نوع قدرتی را الهی بدانیم و اینکه خود ما چه افرادی هستیم یا می‌شویم بستگی دارد. و این ما هستیم که اگر این اندیشه را در باب خدا و جهان رضایت بخش می‌یابیم، باید به خدا کمک کنیم تا آیندگان نیز آن را از لحاظ دینی رضایت بخش بدانند. (Griffin, 1991: 213)

در ادامه، پس از توضیح مختصری درباب الهیات پویشی، کلید واژه‌های مورد نیاز برای فهم تئودیسۀ مربوط به آن را به‌طور مختصر توضیح می‌دهیم و سپس پایه گذاران این تفکر را معرفی می‌کنیم و زمینه‌هایی را بررسی می‌کنیم که این تئودیسۀ در آن‌ها شکل گرفته و در پایان به شرح فلسفۀ پویشی به عنوان زمینهٔ اصلی پیدایش این تئودیسۀ می‌پردازیم و توضیح کامل خود تئودیسۀ پویشی را به فصل سوم موکول می‌کنیم.

۱-۲. کلید واژه‌ها

۱-۲-۱. علّیت

علّیت قانونی است که بر طبق آن همهٔ روی‌دادها تحت تاثیر روی‌دادهای دیگرند و این تاثیر گذاری متقابل است. هیچ روی‌دادی بدون علت نیست و هر علتی معلولی در پی دارد.

علت به عنوان یک اصطلاح تخصصی فلسفه عبارت است از هر چیزی که حرکت، تغییر یا فعلی را ایجاد نماید.^۲

¹ divine power

² Meta-Encyclopedia of Philosophy

در جهان‌بینی پویشی، علّیت، روندی بسیار پیچیده است و دربرگیرنده آثاری است که هیچ کدامشان کاملاً اجباری نیست. هر روی‌داد را می‌توان واکنش کنونی (خود-علتی)^۱ نسبت به موجودات گذشته (علت فاعلی)^۲ و بر اساس بالقوگی‌های موجود (علت غایی)^۳ تلقی نمود. در عین حال، هر موجودی، محصول مشترک علل سابق، اهداف الوهی و فعالیت خاص خود است. (باربور ۱۳۹۲: ۶۳۴)

۱-۲-۲. واقعی/عینی بودن جهان

برای ارائه هر نظریه یا جهان‌بینی ابتدا باید تکلیف خود را در قبال عینیت و عدم عینیت جهان خارج از خودمان روشن کنیم. کسانی که قائل به عدم عینیت جهان هستند، معتقدند که هر آنچه ما بعنوان جهان خارج تجربه می‌کنیم ساخته و پرداخته ذهن خودمان هستند. اما بنابر عینیت، چیزهای دیگر نیز مثل هستی خودمان واقعی‌اند و خارج از تجربه وجود دارند.

با توجه به اینکه دیدگاه پویشی، همان‌طور که در فصل سوم توضیح داده خواهد شد، برای مسئله شر راه حل نظری ارائه می‌دهد و وظایف عملی نیز در جهت رفع آن برای انسان‌ها قائل است، بنظر می‌رسد وجود جهان عینی خارج از ذهن ما از پیش‌فرض‌های اصلی این دیدگاه است. بالتبع، از نظر گریفین نیز جهان و شرور و رنج‌های آن، به نحو مستقل از ذهن وجود دارند.

۱-۲-۳. اختیار انسان

مفهوم اختیار، به معنای نوعی آزادی عمل، در برابر مفهوم جبر^۴ قرار دارد، اما وجود هیچ‌یک به معنای عدم کامل دیگری نیست؛ بلکه یک‌دیگر را محدود می‌کنند. در طول تاریخ، در میان متفکران دینی، در باب اینکه درجات این دو در عالم هستی چگونه است و غلبه کدام بیشتر است، اختلافات زیادی وجود داشته و هنوز هم این بحث جایگاه مهمی دارد. زیرا این واقعیت که موجودات، مختارند یا مجبور، در شکل‌گیری جهان‌بینی دینی تاثیر زیادی دارد. در برخی از متون مقدس، امتیاز خاصی برای انسان‌ها نسبت به سایر موجودات لحاظ می‌شود، که اختیار را تنها به آن‌ها نسبت می‌دهند و سایر موجودات را فاقد آن می‌شمرند. دارا بودن اختیار، چه در مورد انسان و چه برای سایر موجودات، به‌طور کلی بدین معناست که هویت ما از پیش تعیین شده نیست و رفتار ما کاملاً با عوامل پیش‌بینی نشده خارج از خودمان محدود نمی‌شوند؛ بلکه ما دارای قدرت خودتعیین‌بخشی هستیم و قادریم هویت خود را شکل دهیم و با اراده خود بر محیط اطرافمان تاثیر بگذاریم. اختیاری که ما انسان‌ها برای خود شهود می‌کنیم و در عمل برای انتخاب‌ها و تصمیمات زندگی آن را مفروض می‌گیریم، در ظاهر با

^۱self-causation

^۲efficient causation

^۳causation final

^۴determination

برخی از باورهای دینی ناسازگار است. بویژه، نسبت دادن قدرت مطلق به خداوند از سوی خداپاوران سنتی موجب شده تا نتوان وجود اختیار را برای انسان یا هیچ مخلوق دیگری به رسمیت شناخت. این موضوع، چالش‌های فراوانی را در میان خداپاوران برانگیخته است. در نگرش پویشی، این اختیار نه تنها برای انسان، بلکه برای تمام موجودات تصدیق و تبیین می‌شود.

۱-۲-۴. مسئله شر^۱

یکی از مهم‌ترین مسائل کلام و فلسفه دین، مشکل وجود شر و ارتباط آن با خدا و صفات اوست. تاکنون در تعریف شر توافقی حاصل نشده و مجادلات پایان ناپذیری درباره آن وجود دارد ولی به‌طور کلی شر را می‌توان وضعیت نامطلوبی قلمداد کرد که یا مایه رنج و سختی بشر و یا موجب آسفتگی و بی‌نظمی طبیعت می‌گردد.

وقتی بحث شر مطرح می‌شود، افراد منتظرند دین به آنان پاسخ مقبولی ارائه کند. مسئله شر باعث حیرانی، خشم یا الحاد کامل بسیاری از افراد می‌شود. مثلاً به نظر می‌رسد که کشتارها، سرطان، زلزله، گردباد، سلاح‌های هسته‌ای، تجاوز، قتل و قتل عام نژادی، فاقد هرگونه زمینه قابل اعتماد برای امید به پیروزی خیر بر شر هستند، و می‌توانند دال بر پیروزی نهایی شر بر خیر باشند. برخی افراد معتقدند همین که امکان یک جنگ و ویرانی هسته‌ای زیاد باشد می‌تواند دلیلی علیه وجود خدایی با وصف خیرخواه باشد؛ برخی در غم از دست رفتگان می‌پرسند که آیا اصلاً خدا وجود دارد؟ برخی افراد تا جایی پیش می‌روند که می‌گویند نابودی حیات بشر، به‌عنوان یکی از جلوه‌های شر، معناداری زندگی را به کلی فرو می‌ریزد؛ زیرا حتی وجود امکان چنین سرانجام هولناکی نامعقول و غیرمنصفانه و دردناک می‌نماید. الهی‌دانان از این دغدغه مهم با عنوان مسئله شر یاد می‌کنند.^۲ (Griffin, 1988: 1-5)

۱-۲-۵. دفاعیه^۳

بسیاری از الهی‌دانان برای اینکه خداپاوری را از شبهاتی مانند مسئله شر نجات دهند به ارائه دفاعیه‌هایی می‌پردازند. در دفاعیه ثابت می‌کنند اعتقاد به گزاره‌های «شر وجود دارد» و «خدای خیر محض و قادر مطلق وجود دارد» لزوماً تناقض منطقی ندارد. حتی آن خداپاوران سنتی که معتقدند افزون بر دفاعیه، به تئودیه هم نیاز داریم، اغلب به تئودیه‌ای بسنده می‌کنند که تا اندازه‌ای دفاعی است؛ زیرا دیدگاه‌شان درباره قدرت مطلق الهی را در حد آموزه‌های مستقیم و مکتوب کتاب مقدس، یقینی و تصدیق شده می‌انگارند. (Griffin, 1991: 41)

^۱ Problem of Evil

^۲ توضیحات بیشتر در فصل دوم

^۳ Defense

۱-۲-۶. تئودیسسه

واژه تئودیسسه که از ترکیب واژه‌های یونانی **خدا و عدالت** ساخته شده، به معنای تلاش برای توجیه رفتار خدا در پرتو شرور جهان، به طوری که عدالت وی زیر سؤال نرود به کار می‌رود. برخی از خداپاوران برای پاسخ‌گویی به مسئله شر بجای ارائه یک دفاعیه صرف و طرح دلایلی که خدا می‌توانسته برای اجازه دادن به شر داشته باشد، اقدام به عرضه تبیین‌های موجه یا معتبری از شرور، مبتنی بر بصیرت‌های خداپاورانه کرده‌اند که این کار را صورت‌بندی تئودیسسه می‌نامند. این خداپاوران خود را مجاز می‌دانند که مطابق دیدگاه خودشان برای رسیدن به فهمی خردورزانه از شر تلاش کنند. از آنجا که خداپاوری مضیق مواد و مصالح اندکی برای این کار فراهم می‌کند؛ لذا هریک از تئودیسسه‌ها بر شکل مبسوطی از خداپاوری خاصی تکیه می‌کنند که مخاطبانشان بدان پایبند هستند. بیشتر این نظریات نیز از رهیافت کلی تئودیسسه خیر عظیم تر پیروی می‌کنند که مطابق آن خیرهای عظیم‌تری را برمی‌شمارد که در پی وقوع شر حاصل می‌شوند. در واقع، آن‌ها نتیجه می‌گیرند که هیچ خیری بی‌هدف یا گزاف نیست پس نمی‌تواند قرینه‌ای علیه وجود خداوند به‌شمار آید. از آن جمله می‌توان تئودیسسه مبتنی بر اختیار آوگوستین، تئودیسسه بهترین جهان ممکن لایب نیتس و تئودیسسه پرورش روح جان هیک را نام برد. هر یک از این نظریات، شر گزاف را انکار می‌کنند. (Griffin, 1991: 195-201) و (پترسون، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۴۰ و ۱۶۴)

۱-۲-۷. قدرت مطلق^۱ خدا

از آنجا که صفت **قدرت مطلق**، برای خدا در فهم و حل مسئله شر نقش اساسی دارد و در عین حال، معنای این کلمه مبهم است، تعیین مراد الهی‌دان فلسفی از این واژه لازم است. عمدتاً این واژه با معانی زیر در نظر گرفته شده:

۱. قدرت داشتن بیش از همه؛
۲. داشتن تمام قدرت؛
۳. داشتن تمام قدرتی که یک موجود ممکن است داشته باشد؛
۴. داشتن بیشترین قدرت؛
۵. قدرت برای غلبه بر هر چیز دیگری. (Griffin, 1991: 55)

گریفین معنای سوم از میان معانی تحت‌اللفظی بالا را می‌پذیرد و در کتاب *خدا، قدرت و شر* خود این اوصاف را به دو دسته کلی تقسیم کرده و عنوان **قدرت مطلق^۱ I** و **قدرت مطلق^۳ C** را برایشان برگزیده؛

¹ Omni Potence

² I Omni Potence

³ C Omni Potence

که به ترتیب، به معنای قدرت مطلق منسجم، و قدرت مطلق نامنسجم است. او در این کتاب، به‌طور مفصل توضیح می‌دهد که انسجام یا عدم انسجام را بر چه اساسی به آن‌ها نسبت می‌دهد. (Griffin, 1976: 56)

۱-۲-۷-۱. قدرت مطلق I

I مخفف نامنسجم^۱ است. همان قدرت مطلق است که الهیات سنتی به خدا نسبت می‌دهد. طبق این توصیف، موجود قادر مطلق می‌تواند به‌طور یک‌جانبه^۲ بر هر وضعی اثر گذارد، اگر آن وضع ذاتاً ممکن باشد. نامنسجم بودن این دیدگاه بخاطر آن است که تعیین‌بخشی کامل توسط خدا با تجربه ما از خودتعیین بخشی موجودات بالفعل واقعی ناسازگار است. (Griffin, 1976: 270)

طبق جهان بینی گریفین، که در بخش فلسفه و الهیات پویشی همین فصل توضیح داده شده، خلقت به معنای آفرینش از عدم نیست و هر مخلوقی دارای سطحی از تجربه و اختیار است. پس قادر مطلق (همه-توانمند) بودن نمی‌تواند به معنای داشتن تمام قدرت باشد. از آنجا که بسیاری از مراکز قدرت وجود دارند، هیچ اوضاع و احوالی^۳ نیست که در آن، موجودات بتوانند به‌طور کامل توسط هر یک از آن مراکز قدرت متعین شوند. برای خلاق بودن باید قدرت داشت، هر دو قدرت خودتعیین بخشی^۴ و قدرت اعمال نفوذ علی بر دیگران. بنابراین، هر جهانی که خدا می‌توانست بیافریند، لزوماً از موجوداتی با این قدرت دوگانه خودتعیین بخشی و علیت کارآمد تشکیل شده است. (Griffin, 1991: 57)

موجودات دارای این قدرت دوگانه‌اند، به نحوی که نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد و یا موجود یا موجودات دیگر نمی‌توانند آن را لغو کنند. با توجه به این تعریف از ماهیت یک جهان، یک موجود قادر مطلق^۵ یعنی فردی که دارای تمام قدرتی است که ممکن است یک موجود داشته باشد و نمی‌تواند تمام قدرت را داشته باشد. و هیچ موجود قادر مطلق نمی‌تواند به‌طور کامل فعالیت‌های موجودات دیگر را تعیین کند، زیرا منطقاً برای یک نفر به‌طور کامل ممکن نیست که فعالیت موجود دیگری را که طبق تعریف فعالیت دارد که از هیچ موجود دیگری مشتق نیست تعیین بخشد.

بنابراین، یک موجود قادر متعال و کاملاً خیر، موجودی نیست که بتواند به‌طور یک‌جانبه، هر گونه اوضاع و احوالی را در یک جهان تعیین بخشد، مثلاً وضعی را برای جهان تضمین کند که هیچ شر واقعی در آن رخ ندهد. (Griffin, 1991: 57)

¹ Incoherent omnipotence

² unilaterally

³ State of affairs

⁴ Self-determination

⁵ omnipotent

۱-۲-۷-۲. قدرت مطلق C

C مخفف منسجم^۱ است. به این معنا که تنها زمانی می‌توان به نحو منسجم قدرت مطلق را به خداوند نسبت داد که او را موجود قادر مطلق بدانیم که ممکن است در جلوگیری از شر واقعی در جهانی با موجودات خود مختار موفق باشد. اما بنابر جهان بینی پیشنهادی گریفین، خداوند یا هیچ موجود دیگری نمی‌توانند علت کافی چنین وضعیتی باشند و بنابراین نمی‌توانند تضمین کنند که شر رخ ندهد، بلکه روی دادن یا ندادن شر تا حدی بستگی به خود موجودات دارد.

بنابراین توصیف از قدرت مطلق، خدا نمی‌تواند به طور یک‌جانبه بر هر وضع ذاتاً ممکن اثر گذارد. لذا، حضور بالفعل شر واقعی در جهان، شاهدهی وجود موجود قادر مطلق نیست که می‌خواهد از تمام شرور واقعی جلوگیری کند. (Griffin, 1976: 270)

باتوجه به آنچه گفته شد، اصطلاح قدرت مطلق تنها می‌تواند برای قدرتی بکار رود که قدرت کنترل‌کننده و اجبارگر نیست. در واقع می‌توان از **قدرت مطلق اقناعی/ترغیب‌گر**^۲ سخن گفت، زیرا بزرگترین قدرتی که یک موجود می‌تواند داشته باشد همین نوع از قدرت است. (Griffin, 1976: 56)

قدرت اقناعی تنها می‌تواند موجودات را بسوی خیر سوق دهد و میل به نیکی را در آن‌ها تقویت کند تا آن‌ها از میان راه‌های خیر و شر با اختیار خود خیر را برگزینند. تنها با این توصیف، اصطلاح قدرت مطلق را می‌توان مورد استفاده قرار داد، زیرا مفهوم قدرت مطلق I، چون نامنسجم است، هیچ معیاری فراهم نمی‌کند که توسط آن خدایی با قدرتی صرفاً اقناعی C را محدود یا ناقص بخوانیم.

درعین حال، برای اثبات توانایی یک موجود قادر مطلق برای خلق جهان بدون شر، استدلال خاصی از سوی خداپاوران سنتی اقامه شده که گریفین آن را **مغالطه قدرت مطلق**^۳ می‌نامد و نشان می‌دهد که این استدلال از این جهت مغالطه‌آمیز است که نه تنها با مقدمه‌های ناکافی فوراً نتیجه‌گیری می‌کند، بلکه مقدمه اصلی اضافی مورد نیاز آن نیز نامقبول است^۴. (Griffin, 1976: 267)

۱-۲-۸. علم مطلق^۵ خدا

در الهیات پویشی، علم خداوند نیز، همانند قدرتش، مطلق (به معنای کامل) نیست. علم او نسبت به حوادث آینده، در این دیدگاه، مورد تردید است. الهی‌دانان سنتی معتقدند خداوند از ازل به همه حوادث آینده علم دارد اما متفکران پویشی منکر این معنای سنتی از علم خداوند هستند. حوادث آینده به نظر آن‌ها نامعین هستند. یعنی از آنجا که ممکن الوقوعند، کاملاً روشن نیست که رخ می‌دهند یا نه. خداوند و جهان در فرایند شدن هستند؛ خداوند از تجارب موجودات تعلیم می‌پذیرد و

¹ Coherent Omnipotence

² Persuasive Omnipotence

³ Omnipotence Fallacy

⁴ شرح و بررسی این استدلال در فصل چهارم انجام خواهد شد.

⁵ Omniscience